

گاهنامه علمی بسیج دانشجویی



# مرآت

شماره ۵، دی ۱۴۰۰



آنچه در این شماره می خوانید:

مکتب سردار دها / جانبازی در طریق قدس / روش های تدریس مورد نیاز یک معلم / معلم کلاس اول من / در تویتر چه خبر؟! / معرفی کتاب صبح جادویی

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی پردیس علامہ طباطبائی آذربایجان غربی



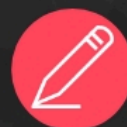
مدیر مسئول: صدف ابراهیم نژاد



سر دبیر: نیاز محمدزاده مجید



هیئت تحریریه: حسین شاه محمدی، روشن صاحبیان، نسترن قلعه پور،



فاطمه کاظمی آقابگللو، فواد محمدی، نازنین محمدی

ویراستار ادبی: حوریه السادات موسوی



گرافیکست و صفحه آرا: زهرا فرجی



شماره ۵ دی ۱۴۰۰

# فهرست

- ۱ ..... مکتب سردار دل ها
- ۴ ..... جانبازی در طریق قدس
- ۶ ..... روش های تدریس مورد نیاز یک معلم ...
- ۱۰ ..... معلم کلاس اول من
- ۱۱ ..... در توییت چه خبر؟! ...
- ۱۲ ..... معرفی کتاب



# مکتب سردار دلها

● فواد محمدی، روانشناسی، ورودی ۹۷

این حس فقط مختص شاعران نیست تردید داشتم که بهتر است ابتدا، قطعه‌ای که برای حاج قاسم، سردار دل‌ها، سروده‌ام را بنویسم یا با مقدمه‌ای به شعر برسم؛

گزینه دوم را انتخاب کردم؛ زیرا حرف‌ها دارم و درون دلم غوغاست...

آری، این حس فقط مختص شاعران نیست.

قبل‌ها، وقتی نام "قهرمان" می‌آمد، همه به فکر بوکس، کونگ‌فو و ورزش می‌افتادیم.

ولی این حس که می‌گویم فقط مختص شاعران نیست... کسی را بگو که وقتی شهادت

حاج قاسم را شنید، گریه نکرده باشد! اصلاً کاری هم به مذهبی بودن یا غیر مذهبی

بودنش ندارم لحظه‌ای درنگ، لحظه‌ای صبرش برایم کافیست. لحظه صبر او، یادآور

مجاهدت‌های سرداری بوده که قهرمان این ملت است. آری، او قهرمان این ملت است.

من در مصرعی گفته‌ام: "پُر از روحیه غیرت که غیر از او جوان آری؟"

نامی برایم بیاور که در عصر حاضر، تخت خواب راحتش را رها کند و در سن پیری به

میدان جنگ برود! "نگو پیری بر او چیره بگو غیرت بر او چیره" دقت کردید؟! نگو پیری

پیری بر او چیره... مبادا فکر کنید چون پیر بوده، شهید شده؛ نه! هرگز! خنجر خورد، او را

ترور کردند "خورده خنجر پشت خود او چون ترور شد عاشقان"

بگذارید آمریکای وحشی و مستکبر، در خواب خود باشد، اما راحت نه! چرا؟ به این مصراع

توجه کنید: "راه هموار و روشن‌تر ز قبل آری روان". راه حاج قاسم هموارتر شده،

شهادتش راه مکتب سلیمانی را روشن‌تر کرده. به قول خودش: "ما ملت امام حسینیم.

دقیقاً ما ملت امام حسینیم." چقدر جمله پرباری است. این فرهنگ سلیمانی است؛

فرهنگ عاشورایی و باور به فرهنگ اسلامی-ایرانی اوست. چقدر دیدنش را ما

دانشجویان مکتب راه عشق می‌ستاییم. چقدر این راه مهم است و چقدر این راه

عزم می‌خواهد. در مصرعی درباره آمریکا و ترویج استکبار فرهنگی، گفته‌ام: "جنگ

آمریکای وحشی با همین دین است و علم". آری، فرقی نمی‌کند که اوباما باشد یا ترامپ،

بایدن باشد یا هرکس دیگری. ریشه این دشمنی در پیشرفت علمی کشور و وابسته

نبودنمان به بیگانه‌ها و دین است. باور به توحید...



وقتی حاج قاسم شهید شدند، آقا به خانه‌ی این شهید رفتند و جمله‌ای گفتند که واقعاً برای من دانشجو بسیار مهم و مفید واقع شد. آقا فرمودند: "اگر ایشان (حاج قاسم)، در رخت‌خواب یا جای دیگری، در تصادف فوت می‌کردند، قطعاً برارنده این بزرگوار (حاج قاسم) نبود. زیبنده‌ی حاج قاسم بود که شهید بشود،

آن‌هم به دست استکبار و مزدورترین عالم."

"اگرچه سن او بالا ولیکن با چنان سرعت که را دیدی به سوی غم چنین محکم دوان آری؟"

بین فوق، کار را تمام نکرد؟! حاج قاسم را با سن نمی‌سنجند. او را با غیرت باید سنجید، وگرنه افرادی هستند که سن‌شان بالا است، اما هیچ خدمتی به انقلاب، نظام و اسلام نکردند. به تعبیر خودمان: "خورده‌اند و خوابیده‌اند". در جهت منافع شخصی خودشان حرکت کرده‌اند، نه در جهت منافی که انقلاب برای آن‌ها ترسیم کرده باشد، نه در جهت منافی که حضرت آقا در نظر داشته‌اند. خلاصه، در جهت منافع خود بودن، از مکتب سلیمانی به دور است. از تقوا به دور است، از توحید به دور است، از اسلام و قرآن به دور است. تا کی پول؟! پول لازم است؛ اما به عقیده من اسلاگ لازم‌تر، توحید لازم‌تر، قرآن لازم‌تر و از همه مهم‌تر، ادامه دادن راه مکتب سلیمانی لازم‌تر.

مکتب سلیمانی را با جان و دل دنبال خواهیم کرد. بیت زیر، گواه این ادعاست: "علم و دین و اهل فن او رو به سمت قله کرد دست او کم شد ولیکن در همین ره صد جوان"

مگر ما مُرده‌ایم؟! مگر عشق به اهل بیت مُرده است؟! مگر نمی‌توان دوباره، به عشق شیرین، فرهاد گشت؟! که برای من دانشجو، عشق، ولایت است و بس. مگر نمی‌توان به عشق شیرین کوه کند؟! مگر نمی‌توان بر اشک‌های یعقوب، باران شد؟! مگر نمی‌توان خوب شد، بین این همه بدی؟! به شعر می‌رسیم و امیدوارم از شعری که برای حاج قاسم سروده‌ام، لذت ببرید.

# بگویم؟ قاسم است



یک شهید از جنس فولادی بگویم؟ قاسم است  
مرد مومن راز آزادی بگویم؟ قاسم است  
درهمین قرن یک دو رخدادی بگویم؟ قاسم است  
گرچه ویران شهر آبادی بگویم؟ قاسم است  
غیر از او من دردد و ابعادی بگویم؟ قاسم است  
نام او در زمره استادی بگویم، قاسم است  
اهل بیت و سید اولادی بگویم؟ قاسم است  
یک نهال عشق و بنیادی بگویم؟ قاسم است  
یک دلیر و مرد حیادی بگویم؟ قاسم است  
مرد عاشق تر ز فرهادی بگویم؟ قاسم است

شعر من با خون او پر شور و زیبا می شود  
در عراق و سوریه لبنان و کابل یا یمن  
یک هنرمند است و دانشمند و صلح آور به ما  
بعد او بغداد و سوریه که شاید این چنین  
درد و ابعادی بگو ای شاعر از دلدادگی  
نام استادی برایش میگذارم عاشقان  
نام از این بهتر نباید سیدم بر ادعا  
او که شد سرباز کشور چون مطیع رهبری  
خط شکن یا صاف شکن بر عمق دشمن می رود  
چون که شیرینش ولایت بوده فرهادی شده



# جانبازی در طریق قدس

حسین شاه محمدی، آموزش ابتدایی، ورودی ۹۸

چهارده ماه پس از آغاز جنگ تحمیلی و اشغال بخش های وسیعی از خاک کشورمان، عملیات طریق القدس با هدف آزادسازی دشت آزادگان، بستان و سوسنگرد و رسیدن به مرز در چراه توسط رزمندگان ایرانی اجرا شد. آن زمان، تیپ ثارالله شکل گرفته بود و قاسم سلیمانی و نیروهای کرمانی (رزمندگان سپاه منطقه شش)، در قالب دو گردان تحت امر تیپ کربلا به فرماندهی مرتضی قربانی وارد عملیات شدند. پیش از آن، حسن باقری، قاسم سلیمانی را که چند ماهی بود به جبهه های جنگ آمده بود و سرپرستی بخشی از نیروهای کرمانی را که خود آموزش داده بود، برعهده داشت، به خط کرخه کور فرستاد و مسئولیت آن محور را به او و نیروهایش واگذار کرد. مرتضی قربانی می گوید:

«اولین بار حاج قاسم را در آبان سال ۶۰ و پیش از عملیات طریق القدس دیدم. او همراه با ششصد نفر نیرو از کرمان آمده بود. آن روزها آوردن آن تعداد نیرو به اهواز و مستقر کردن در دشت وسیع سوسنگرد، آن هم با کمترین امکانات، کار بسیار سختی بود. حاج قاسم، در عملیات طریق القدس فرمانده گردان های حضرت ابوالفضل علیه السلام و شهیدان رجایی و باهنر بود. حاجی، پیش از اجرای عملیات، در جمع رزمندگان گردان حضرت ابوالفضل علیه السلام سخنرانی می کند و می گوید: «یا حسین! این گردان به نام گردان ابوالفضل نام گذاری شده. یا حسین! می خواهیم چون ابوالفضل دست هایمان در ره امامان، خمینی، قطعه قطعه شود. حسین جان! تا دشمن را در این خاک به خاک نسپاریم، نمی خواهیم از این مرز، از این خاک برگردیم، حتی اگر دست هایمان قطعه قطعه و پاهایمان تکه تکه شوند. ان شاء الله این طرح را که تمام کنیم، به یاری الله این یاری دهنده مستضعفان در کربلاهای دیگر دشمن را سخت، سخت، سخت در خاک فرو خواهیم برد.»

در جریان عملیات، سردار مأمور شکستن خط بود. از یک سو، در ارتباط با فرماندهی در تلاش برای انجام مأموریت بود و از سوی دیگر، به نیروهایش که در حال مقاومت بودند، روحیه می داد. پس از گذشت مدت زمانی از جریان عملیات، خط تأمین دشمن شکسته شده بود و نیروهای خودی به سوی پل پیشروی می کردند. مرتضی قربانی، در آن سوی خط قاسم را صدا می زد که بی سیمچی گوشی را برداشت و گفت: «قاسم شهید شد!» وضعیت حاج قاسم به گونه ای بود که همه تصور می کردند او شهید شده است. در بین نیروهای کرمانی نیز پیچیده بود که قاسم شهید شده است. در آن سوی میدان، یکی از نیروها به نام حمید ایران منش از حاج قاسم خواست تا خود را به نزدیکی معبر برساند و بر پیشروی نیروها نظارت کند، اما ایشان گفت: «خودت برو و هر کاری می توانی انجام بده.» و خود، با کبد پاره و سه نقطه پارگی در شکم، پشت سیم خاردارها ماند و تا صبح دیگر کسی از او خبری نداشت. در همان مدت هم دوبار دیگر زخمی شد؛ یک بار از ناحیه دست و بار دیگر از ناحیه پا. به تدریج از حال رفت و وقتی هوا روشن شد، رزمندگان او را یافتند. حاج قاسم تصور می کرد که در عالم رویاست و حال خوشی دارد. جانبازی سردار در عملیات طریق القدس، چندمین مجروحیت وی از ابتدای جنگ تحمیلی تا آن زمان بود. یکبار هم در عملیات کرخه کور از ناحیه دست جراحات دید و اینبار در عملیات طریق القدس، دچار جراحات شدیدی شد و به مدت چند روز در بیمارستان بستری گشت. سی و هشت سال بعد، آن دستی که در عملیات طریق القدس و در مسیر آزادسازی بستان مجروح شده بود، در فرودگاه بغداد و در پی حمله تروریستی آمریکا از بدنش جدا شد. آری! او قطعه قطعه شد تا دشمن را در خاک فروبرد.



روش، سازمان دهی شکل یادگیری با هدف برآورده شدن یک هدف آموزشی خاص یا به جای گذاردن یک اثر یادگیری خاص است. آموزش

برنامه‌ای، سخنرانی، و نمایش عملی مثال‌هایی از روش تدریس محسوب می‌شوند. روش تدریس، مجموعه فعالیت‌ها و مراحل تجربی است که برای نیل به هدفی معین انجام می‌شود و بهترین روش، روشی است که با صرف کمترین مدت



و با توجه به امکانات موجود، بیشترین بهره و نتیجه را عاید گرداند. تدریس را سازمان دهی یادگیری دانش آموزان تعریف کرده و روش تدریس مجموعه فعالیت‌هایی است که با توجه به شرایط و امکانات موجود صورت می‌گیرد،

تا مساعدترین زمینه را برای پرورش و آموزش مؤثر و مطلوب فراهم سازد.

# روش های تدریس نوین

## روش تمرینی

معلم، به طور معمول بوسیله تمرین، فراگیر را به تکرار مطلب یا کاربرد آن تشویق میکند تا فراگیر در موضوع مورد نظر تبحر لازم را کسب کند. به عنوان مثال: معلم انگلیسی از فراگیر میخواهد که با تکرار شفاهی اصطلاحات، تلفظ صحیح آنها را فراگیرد؛ یا بعد از یافتن طرز ساختن جملات شرطی، پنج جمله شرطی بسازد.

## روش حل مسئله

این روش یکی از روشهای فعال تدریس است. اگر نظام آموزشی بخواهد توانایی حل مسئله را به دانشآموزان یاد دهد. \_ البته مسئله به معنی مشکل و معضل نیست، به بیان دیگر مسئله موضوعی نیست که برای ما مشکل ایجاد کند، بلکه رسیدن به هدف در هر اقدامی، به نوعی حل مسئله است. (خورشیدی، غندالی، موفق، 1378) \_ در این روش، آموزش در بستر پژوهش انجام می شود و منجر به یادگیری اصیل و عمیق و پایدار در دانش آموزان می گردد.

## روش کنفرانس

این روش با روش سخنرانی تفاوت دارد؛ زیرا در روش سخنرانی، معلم مسئول دادن اطلاعات به دانشآموزان است. در حالیکه در این روش، اطلاعات توسط دانش آموزان جمعآوری و ارائه می گردد. این روش میتواند مشخص کند که دانشآموزان تا چه اندازه می دانند.

## روش پروژه های

روش تدریس پروژه های، به دانش آموزان امکان میدهد تا قدرت مدیریت، برنامه ریزی و خود کنترلی را در خودشان ارتقاء بخشند. در این روش، دانش آموزان میتوانند با توجه به علاقه ی خود موضوعی را انتخاب و به طور فعالانه در به نتیجه رساندن آن شرکت نمایند.

## شیوه نمایشی

در این شیوه، معلم برای فهماندن مطلبی خاص به فرا گیران، از وسایل و اشیاء گوناگون استفاده میکند. در صورتی که معلم نتواند برای فهماندن مطلب درسی آزمایش انجام دهد، شیوه نمایشی میتواند شیوه خوبی برای روشن تر کردن مفهوم برای فراگیران باشد.



# فنون تدریس چیست؟

روش و فنون تدریس بیشتر بر اساس خلاقیت فرادهنده شکل میگیرد؛ که دانستن این فنون، میتواند به آسانی و سهولت به تدریس کمک کند.

در تدریس 3 موضوع اصلی حائز اهمیت است:

1. تعامل بین فرادهنده و فراگیر
2. هدفی از قبل تعیین شده توسط فرادهنده
3. ایجاد محیطی برای یادگیری آسان





# الگو تدریس

الگوی تدریس چیست؟

الگو، معمولاً به نمونه کوچکی از یک شیء یا به مجموعه‌ای از اشیاء بيشمار گفته میشود که ویژگی‌های مهم و اصلی آن شیء بزرگ یا اشیاء را داشته باشد. الگوی تدریس، چهارچوب ویژگی‌های است که عناصر مهم تدریس در درون آن قابل مطالعه است. انتخاب يك الگوی تدریس، بستگی به نوع آگاهی معلم از فلسفه و نگرش‌های تعلیم و تربیت خواهد داشت.

نمونه‌های الگوی تدریس:

**الگوی حل مسئله:** در این الگو، شاگردان با بهره‌گیری از تجارب و دانسته‌های پیشین خود، درباره رویدادهای محیط خود می‌اندیشند تا مشکلی را که با آن مواجه شده‌اند، به نحو قابل قبولی حل کنند.

**الگوی پیش سازمان دهند:** پیش سازمان دهند، يك مطلب یا مفهوم کلی است که در مقدمه تدریس می‌آید تا مبحثی را که به شاگردان ارائه داده میشود، با مباحث پیشین همان درس مربوط سازد و پايه‌ای برای ارتباط مفاهیم جدید با پیشین شود. در این الگو، معمولاً مطالب، از کلی به جزئی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در انتها باید گفت: "صرفاً یک روش خوب یا یک روش بد وجود ندارد و یک معلم با



# کلاس اول من

نشر قلم پور اقدم، آموزش ابتدایی، ورودی ۹۷

از  
پشت  
کوچه پس  
کوچه های  
کودکیام، آرام به  
سمت تو قدم برمیدارم.  
خاطرهمایمان را در کولهام  
جا میکنم، مداد و دفترم را در  
دست میگیرم و به سمت تو پرواز  
میکنم. شاید اگر امروز مرا در خیابانی  
ببینی، هرگز مرا به خاطر نیاوری؛ حق هم  
داری، دختر بیست و یک ساله امروز با  
دخترک هفت ساله آن موقعها، زیادی فرق دارد.  
دخترک هفت ساله دیگر بزرگ شده است. میبینی!  
بزرگ شدهام، ساقه دادهام، ریشه دواندهام، قد علم  
کردهام... امروز، یادم نمیرود... این تو بودی که من گریز  
پای را بر خاک دانایی کاشتی و به سان دهقانی مرا رویاندی؛  
و این من بودم که بارها و بارها جهل خود را فریاد میزد، اما تو  
همچنان اسطوره صبر و شکیبایی بودی. تو بودی که دستانم را رها  
نمیکردی و الفبای زندگانی را به من میآموختی. من هنوزهم صدایت را  
از لابلای نیمکتهام میشنوم. سایهات را درست بالای سرم میکنم. هنوز  
هم چهره معصوم و زیبایت را از یاد نمیبرم و حتی آن انگشتر فیروزهایات را که  
هر گاه انگشتانت به کمک انگشتانم میآمد، حساش میکردم. هنوزهم صدای  
پاشنه کفشهایت کنار گوشم میآید. من، تورا میشنوم. من هنوزهم تورا زندگی میکنم. اصلاً  
مگر میشود دنیا را بدون تو تصور کرد؟! مگر میشود با دیدن چهره مهربانت قند در دلم  
آب نشود؟! مگر میشود عاشق حرکت انگشتانت روی تخته نشد؟! مگر میشود محبتهای  
مادرانهات، از یادم برود؟! بی تو نمیشود ادامه داد و نمیشود زندگی کرد. تو یک چیز  
متفاوتی، حتی متفاوتتر از پدر مادر... مبادا یاد و خاطرهات لکه دار شود، مبادا به دست  
فراموشی سپرده شود! تو باید باشی تا ابد و یک روز و اقرار میکنم دستان جوهریات  
عجیب بوسیدنی است معلم کلاس اول من.



## فاطمه علیپور

شب امتحان فقط اونجاییش خیلی جالبه که حتی کشف میکنی گلهای قالی هم چقدر قشنگ بودن و نمیدونستی تازه اینکه چیزی نیست مورد داشتیم وقتی شب امتحان می‌شده طبع شعریش گل میکرده خلاصه اینکه یهو فکر نکنین مشکل از دانشجو هست، مشکل از امتحانه که یه کاری میکنه که هر کاری لذت بخش میشه به غیر از خوندن درس!



## فاطمه بانو

حالا درسته خارجیا کریسمس و بابانوئل دارن ولی در عوضش ما هم نوروز و حاجی فیروز داریم اصن من معتقدم که حاجی فیروز همون بابانوئله که از سرمای سخت و طاقت فرسای زمستون سیاه شده و در واقع کریسمس همون نوروزیه که عجله داشته و ۶ ماهه به دنیا اومده



## حدیثه بانو

پسر: بابا تورم یعنی چی؟  
پدر: یادته دو سال پیش گفتم اگه پسر خوبی باشی میریم کیش؟  
پسر: آره آره خیلی خوش گذشت، امسال میریم؟  
پدر: اگه تا قیام قیامت هم پسر خوبی باشی از شاه عبدالعظیم اونورتر هم نمی‌تونیم بریم،  
به این میگن تورم. ☀️  
#طنز  
#خنده\_بازار



## Amir Irandost

و قسم به خستگی چشمانش  
که ، اللهم لا نعم من الا خیرا...  
#سردار\_دل\_ها  
#شهید\_زنده



## حاما

بیشترین عامل پرتوقعی فرزندان، قطعاً پرتوقعی والدینه،  
کودکان با دیدن رفتار والدین، پرتوقعی رو یاد می‌گیرن و الگوبرداری میکنن  
مثل پدری که موقع صرف غذا به همسرش غر میزنه و ایراد میگیره...  
#تر بیت\_فرزند

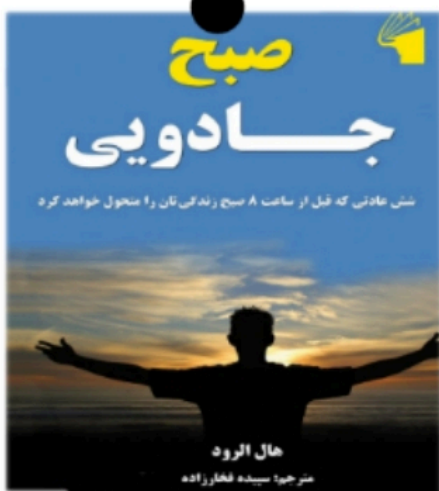


## آقا سید

وچه زود پرنده روحت از قفس این دنیا پر کشید، سردار. و پرنده روحت چه ققنوس وار پرواز تا بی‌نهایت را به همگان آموخت  
ای سلیمان زمان.



کتاب «صبح جادویی»، اثری از «هال الرود»، به شما نشان خواهد داد که همه افراد توانایی غلبه بر هر نوع مانعی را دارند و می‌توانند زندگی رویایی خود را خلق کنند. فرقی نمی‌کند که هم اکنون زندگی شما چگونه است؛ خواه ورای تصوراتان موفق شده اید و یا اینکه هنوز به دنبال راهی برای رسیدن به کامیابی هستید. اما یک وجه اشتراک بین همه‌ی شما وجود دارد و آن این است که همه می‌خواهید خودتان و زندگیتان را بهبود بخشید؛ زیرا همه انسان‌ها با میل و انگیزه درونی شگرف در جهت رشد و پیشرفت زاده شده‌اند.



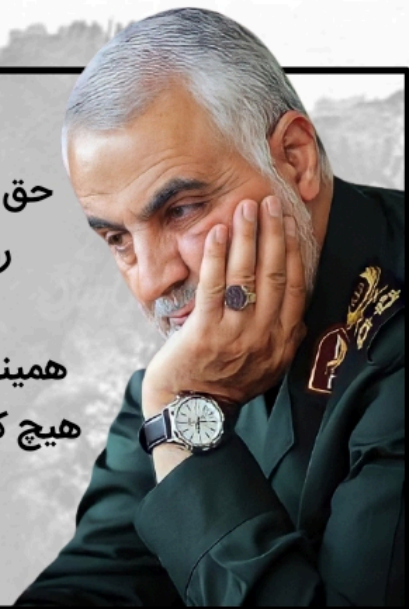
کتاب «صبح جادویی»، نه تنها توانمندساز، بلکه ساده و مفرح است. شما خیلی زود می‌توانید آن را بدون هیچ‌گونه زحمتی در باقی عمرتان به کار ببندید. در حالی هنوز هم می‌توانید هر وقت که دوست دارید به رختخواب بروید، وقتی می‌فهمید دیگر تمایلی به این کار ندارید، شگفت‌زده می‌شوید. حتی در روزهای تعطیل و آخر هفته هم می‌توانید خیلی زود بیدار شوید، آن هم فقط به این دلیل که با سحرخیز بودن، احساس بهتری به شما دست می‌دهد و عملکردتان بهتر می‌شود. هر روز با انرژی بیشتری از خواب بیدار می‌شوید، هیجان‌زده و پرانرژی هستید و به ابزارهایی مجهز می‌شوید که با آن‌ها می‌توانید توانایی‌های بالقومتان را بالفعل کنید.

انتشارات «نوآوران سینا» کتاب صبح جادویی را در سال ۱۳۹۵ با ترجمه‌ی «لطیف احمدپور» منتشر کرد. سال ۱۳۹۷، دو ترجمه از کتاب هال الرود منتشر شد؛ «سپیده فخارزاده» این اثر خودشناسی را به فارسی ترجمه کرد و نشر «معیار علم» انتشار آن را برعهده گرفت. نشر «الماس پارسیان» نیز نسخه‌ی فارسی دیگری از این اثر را با ترجمه‌ی «مهران زهره‌بخش» روانه‌ی بازار نشر کرد. «مریم اصغریور» نیز ترجمه‌ی دیگری از کتاب را در نشر «بهار سبز» منتشر کرد که در سال ۱۳۹۸ به چاپ چهارم رسید.

### در بخشی از کتاب صبح جادویی می‌خوانیم:

«۹۰ درصد از افراد جامعه‌ی ما هرگز به زندگی مورد نظرشان دست پیدا نمی‌کنند. اگر نسبت به دیگر افراد جامعه طرز فکر و شیوه‌ی زندگی متفاوتی نداشته باشیم، باید همانند اکثر آن‌ها زندگی معمولی و توأم با تقلا، شکست و حسرت را تحمل کنیم. معمولی بودن یعنی رضایت دادن به کمتر از آنچه واقعاً خواهانش هستید و توانایی‌اش را دارید و همچنین، تقلا کردن در تمام دوران زندگی. هر روز بسیاری از مردم در حال تقلا کردن هستند و بسیاری از مردم به کمتر از آن چه واقعاً لیاقتش را دارند رضایت می‌دهند. بسیاری از مردم نیز هر صبح از خواب بیدار می‌شوند و برای دستیابی به موفقیت، خوشبختی، عشق، کامروایی، سلامتی و رفاه مالی که واقعاً آرزویش را دارند، تلاش و تقلا می‌کنند.»

حق دارد. گاهی انقدر فکر و خیال از ذهن می گذرد که سر له می شود.  
روی تن سنگینی می کند. مجبوری دست را ستون کنی بگذاری زیر  
چانه که توی جمع کسی نفهمد دل و هوش کجاست... بارها  
همینجوری دست را ستون می کرد و گوشه چشمهایش تنگ می شد و  
هیچ کس نمی دانست دارد به طراحی عملیات تازه فکر می کند یا اینکه  
برای دختر شهید که همین روزها تولدش است کادو چی بخرد.



دوستان و همکاران علاقمند جهت همکاری در شماره های  
بعدی نشریه مرآت می توانند در تلگرام با آیدی @N\_mhn  
در ارتباط باشند